

سمینار تخصصی
مهدی صادقی
نویسنده و گردآورنده
کتاب کبریت ایران

امتیاز انحصاری

کبریت خراسان

سه شنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۴

گروه واتساپ انجمن کبریت ایران

مطالب امشب را با موضوع امتیاز انحصاری کبریت خراسان خدمت تان تقدیم می‌کنم.

هفته گذشته درباره امتیاز انحصاری «کبریت طهران و مازندران» صحبت شد و گفته شد که وقتی برادران خویی (حاج محمد رحیم و حاج محمد باقر) توانستند امتیاز انحصاری کبریت آذربایجان را از مجلس شورای ملی دریافت کنند، دیگرانی هم بودند که درصدد برآمدند تا مشابه آن را برای شهر و دیار خودشان کسب کنند.

دیدیم که میرزاابوطالب اسلامیه اگرچه امتیاز انحصاری «کبریت طهران و مازندران» را دریافت می‌کند اما چون آن طوری که دلش می‌خواست به تصویب مجلس نرسید و آن را رها کرد.

چهار سال پس از ماجرای میرزاابوطالب و برادران خویی، شخص دیگری درصدد برآمد تا چنین امتیازی برای خراسان کسب کند.

«میرزامحمد دانش» که ظاهراً بعدها به «محمد دانش بزرگ‌نیا» بیشتر شهره شده است. میرزامحمد دانش بزرگ نیا متولد ۱۲۸۱ شمسی است و در همان مشهد تحصیلاتش را ادامه داد.

او در شعر و ادب شاگرد ادیب نیشابوری و محمد حسن شیرازی بود. کار اصلی میرزامحمد تجارت بود و به شعر هم علاقه داشت و شعر می‌گفت. دیوان اشعار او بعدها با نام «راز دانش» توسط انتشارات امیر کبیر منتشر شد.

میرزامحمد در سال ۱۳۰۰ به عنوان نماینده مردم خراسان به چهارمین دوره مجلس شورای ملی راه یافت.

میرزامحمد پیش از اینکه نماینده مجلس بشود به واسطه برخی کارهای نیکش شناخته شده بود. از جمله تاسیس نخستین دبیرستان مشهد؛ میرزامحمد در سال ۱۲۹۶ شمسی اولین دبیرستان مشهد در کوچه شوکت الدوله تاسیس کرد. هزینه‌های آن در ابتدای با خودش بود اما دو سال بعد، این دبیرستان دولتی شد. جواد غفاری نخستین مدیر این دبیرستان بود.

گفته شده جمعی دیگر نیز او را در این راه یاری کردند. از جمله: عمادالسلطنه رئیس عدلیه، معاضدالوزاره رئیس اداره تذکره، میرزااحمدخان سعیدی رئیس اداره معارف، میرزارضاخان کلنل، میرزااسماعیل‌خان و انتخاب‌الملک.

در زندگی‌نامه سید حسین ادیب (ادیب بجنوردی) هم آمده که او در راه اندازی دبیرستان فرهنگ هم‌پای میرزامحمد تلاش کرده است، هر چند در منابع دیگر اسمی از ایشان نیست.

یادآور شوم که نخستین مدرسه جدید در مشهد را سال ۱۲۶۵ شمسی حسن رشدیه راه‌اندازی کرد. رشدیه همان کسی است که نخستین مدارس جدید را در تبریز راه انداخت و همواره مورد حمایت امین الدوله بود. امین‌الدوله که نخستین کارخانه کبریت ایران را ساخت.

البته حسن رشدیه خاله‌زاده «میرزااحسین واعظ» هم بود. میرزااحسین که در دوره استبداد صغیر کارگاه کبریت‌سازی دستی در تبریز راه انداخت. با کبریت‌هایی که شعارهای وطنی در پشت آن درج می‌شد. البته برخورد برخی متعصبان در مشهد باعث شد که وی مشهد را نیز

همانند تبریز ترک کند و برود.

بعدها دیگران در مشهد راه رشدیه را ادامه دادند که از این میان می‌توان به شیخ محمدعلی مدیر (مدیریان) و حاج اسدالله خامنه‌ای اشاره کرد.

به واسطه همین شناخت بود که میرزامحمد در دوره چهارم مجلس شورای ملی، نماینده خراسان شد. دقیقا در مجلس دوره چهارم بود که دو امتیاز مهم کبریتی به تصویب رسید.

صورت مذاکرات هر دو جلسه مجلس شورای ملی را که مرور کنیم می‌بینیم که میرزامحمد در مخالفت یا موافقت با امتیاز کبریت آذربایجان یا کبریت طهران هیچ نظری نداده است.

پس از پایان یافتن دوره چهارم مجلس شورای ملی در خرداد ۱۳۰۲ او به کار اصلی‌اش که تجارت و دانش بود بازگشت.

پس از آن دوباره کارهای نیکش را ادامه داد. از جمله مشارکت در راه‌اندازی کتابخانه عمومی در باغ نادری مشهد آن هم در تیر ۱۳۰۳ شمسی. این کتابخانه اکنون نامش «کتابخانه دکتر علی شریعتی» است.

پس از این ایام بود که میرزامحمد به فکر تاسیس کارخانه کبریت‌سازی افتاد. او شنیده بود که در تبریز و همدان کارخانه کبریت فعالیت می‌کند و اصفهان هم درصدد راه‌اندازی کارخانه کبریت است.

میرزامحمد بهمن ۱۳۰۵ درخواست امتیاز انحصاری کارخانه کبریت را به وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه ارائه کرد.

درخواست او ۱۶ اسفند ۱۳۰۵ به تایید دو وزیر (وزیر مالیه / وزیر
فلاحت و تجارت و فوائد عامه) و رئیس‌الوزرا رسید و قرار شد به
مجلس شورای ملی ارائه شود برای تصویب نهایی.

مجلس نیز در تاریخ ۲۹ آذر سال ۱۳۰۶ امتیاز انحصاری کبریت
خراسان به میرزامحمد دانش داد و تصویب شد که برای ۱۵ سال
کبریت‌سازی در خراسان در انحصار وی باشد.

نمایندگان مجلس برعکس دوره قبلی که وقتی خواستند امتیاز «کبریت
طهران» را به میرزاابوطالب بدهند، کلی بحث و جدل کردند، این
بار صحبت خاصی نشد و موافقت کردند که همان امتیازاتی که
برادران خوایی داده شد در امتیاز کبریت آذربایجان، این بار هم به
میرزامحمد بدهند برای کبریت‌سازی در خراسان.

به استثنای معافیت مالیاتی مربوط به کشتی‌رانی در دریاچه ارومیه
و راه آهن آذربایجان.

چون مجلس شورای ملی برای کمک به کبریت ممتاز تصویب کرده
بود که می‌توانند محصولات و ماشین‌آلات خود را بدون دادن مالیات
با کشتی در دریاچه ارومیه جابجا کنند یا از راه آهن سراسری استفاده
کنند.

این مصوبه مجلس بعدها دست‌آویزی شد برای حاج‌آقا کبریت‌ساز
توکلی که: من به وزارت مالیه سالی چند هزار تومان عواید می‌رسانم
و خویی‌ها از مالیات حمل و نقل هم معاف‌اند!

مطابق اسناد موجود میرزامحمد هیچ‌گاه موفق نشد کارخانه کبریت

در خراسان راه‌اندازی کند. علتش را نمی‌دانم اما او به خوبی متوجه نیاز مردم منطقه خراسان به کبریت شده بود. امتیاز کبریت‌سازی میرزاحمد اگرچه تبدیل به کارخانه نشد، اما کارگاه‌های دستی کوچک در مشهد شروع به فعالیت کردند تا کبریت مورد نیاز خراسان را تامین کنند. پس از تصویب قانون انحصار کبریت در مجلس شورای ملی (اسفند ۱۳۱۰) وزارت مالیه به اداره متبوعش در خراسان نوشت که جلوی فعالیت کبریت‌سازان کارگاهی و کوچک را بگیرند. (تصویر این نامه وزارت مالیه را در «کتاب کبریت ایران» آورده‌ام)

بدین ترتیب مشهد روی کارخانه کبریت‌سازی به خود ندید تا اواخر سال ۱۳۲۰ که کبریت گل سرخ در مشهد راه‌اندازی و تاسیس شد.

اگر فرصتی باشد در جلسه بعد به امتیاز انحصاری کبریت اصفهان خواهم پرداخت.